

جهانی شدن تشیع



چه کسی بیش از دیگران شما را به تحقیق و نوشتن تشویق می کرد؟

«تشویق های شهید مطهری بر من بسیار مؤثر بود. من در سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۲، ضمن تحصیل در دانشگاه تربیت معلم، در دفتر مجله «درس هایی از مکتب اسلام» در تهران نیز کار می کردم و هر ماه به دانشکده الهیات، واقع در چهارراه سرچشمه تهران می رفتم و مقاله های استاد مطهری را از ایشان می گرفتم و به قم می بردم و به هیأت تحریریه مجله تحویل می دادم.

یکبار در سال ۱۳۴۹، وقتی به نزد ایشان رفتم تا بخش سوم سلسله مقالات بسیار جالب و ارزنده «سیری در نهج البلاغه» را از ایشان بگیرم، استاد مطهری قبل از هر چیز از من پرسیدند: «راستی این آقای محمود حکیمی که داستان های شان در مجله مکتب اسلام چاپ می شود، از اقوام شماست؟» من پاسخ دادم: «محمود حکیمی خود من هستم.» استاد مطهری با محبت، من را در کنار خود نشاند و با جملات گرم و جان بخش خویش گفتند:

«از این که مهم ترین آموزه های اسلام را از زبان شخصیت های داستان های خود به این خوبی بیان می کنی، خیلی خوشحالم؛ امیدوارم که به نوشتن داستان های دینی خود ادامه دهی.»

تشویق استاد مطهری بر من بسیار مؤثر بود و از آن پس، داستان های تازه ای از من در مجلات مکتب اسلام، نسل نو، نسل جوان و پیام شادی، که در حوزه علمی قم منتشر می شد، به چاپ رسید. داستان های سلحشوران علوی، داستان هایی از زندگی امیر کبیر، نقابداران جوان، دلاوران عصر شب، طاغوت، سوگند مقدس، پیکار سرنوشت، سرودهای رهایی، در سرزمین یخبندان، وجدان... از جمله داستان هایی بود که در آن نشریات به چاپ رسید و بعداً به صورت کتاب منتشر شد.

اگر خاطره دیگری از ملاقات خود با استاد شهید مطهری دارید برای ما بیان بفرمایید.

خاطره جالبی که دارم، مربوط به پیش بینی استاد مطهری در





وقتی خبر تغییر مذهب بسیاری از مردمان اهل سنت مصر و روی آوردن به تشیع امامیه را شنیدم، پیش‌بینی قریب به چهل سال پیش استاد مطهری را به یاد آوردم که در اتاق خود در دانشکده الهیات از گرایش جهانیان به تشیع سخن گفت

که: «به‌زودی گرایشی شگفت و غیر منتظره به سوی تشیع آغاز خواهد شد». دو سال بعد ترجمه کتاب «آن‌گاه هدایت شدم» اثر دکتر سیدمحمد تیجانی را برای نخستین بار خواندم. تیجانی نیز در این کتاب با قاطعیت اعلام کرده بود که به‌زودی انسان‌های فرهیخته جهان اسلام به تشیع روی خواهند آورد. دکتر تیجانی در کتاب دیگرش تحت عنوان «از آگاهان بپرسید»، بار دیگر گرایش جهانیان به سوی تشیع را مطرح ساخته بود. وی در کتاب دیگری، عامل اصلی این گرایش را انتشار وسیع دو کتاب «الغدیر» علامه امینی و «المراجعات» شرف‌الدین، دو عالم بزرگ شیعه، دانسته بود.

سال‌ها گذشت. اخبار رسیده از مصر، لبنان، هندوستان، پاکستان، تونس و حتی کشورهای اروپایی و آمریکایی حیرت‌آور بود. بسیاری از پژوهش‌گران، مذهب و آرمان خود را رها کرده و تشیع اثنی‌عشری را پذیرفته بودند.

وقتی خبر تغییر مذهب بسیاری از مردمان اهل سنت مصر و روی آوردن به تشیع امامیه را شنیدم، پیش‌بینی قریب به چهل سال پیش استاد مطهری را به یاد آوردم که در اتاق خود در دانشکده الهیات از گرایش جهانیان به تشیع سخن گفت. و امروزه این گرایش ما به تشیع، دشمنان آزادی انسان را سخت به خشم آورده است. دشمنان مکتب شیعه امامیه چاره‌ای ندارند جز این که به تهمت و افترا متوسل شوند. ده‌ها سایت که معمولاً از سوی وهابیان تقویت می‌شوند، شیعیان را رافضی می‌نامند و واژگان زشت را نثار شیعیان می‌کنند. در برخی از کشورها فروش آثار سیدمحمد تیجانی ممنوع شده است؛ در پاکستان ده‌ها کتاب بر ضد آثار او منتشر شده است. فروش آثار دانشمندان معاصر شیعه هم چون سیدمحسن امین، شرف‌الدین، علامه شیخ عبدالحسن امینی در برخی از کشورها ممنوع شده است. اما مردم حقیقت‌جو به‌طور پنهانی این آثار را دست‌به‌دست می‌گردانند. تلاش وهابیان تاکنون بی‌نتیجه مانده است و در آینده هم بی‌نتیجه خواهد ماند. پیش‌بینی هوشمندانه استاد شهید مرتضی مطهری درست بود: جهانیان به سوی تشیع روی آورده‌اند. ■

خصوص گرایش جهانیان به سوی تشیع است.

در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۲، ضمن تحصیل در دانشگاه تربیت معلم تهران، در دفتر مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، واحد مشترکین خارج از کشور، نیز به کار مشغول بودم. در آن سال‌ها، تیراژ مجله درس‌هایی از مکتب اسلام بسیار زیاد بود. بسیاری از دانشجویان ایرانی که در خارج از کشور، مخصوصاً آلمان، تحصیل می‌کردند مجله مکتب اسلام را مشترک بودند. من هر ماه به دفتر استاد مطهری در دانشکده الهیات واقع در خیابان سرچشمه تهران می‌رفتم و مقاله ایشان را که برای شماره بعدی مکتب اسلام نوشته بودند می‌گرفتم و آن را به قم می‌بردم و تحویل هیأت تحریریه مجله می‌دادم.

در آن روزها، مرحوم علی حجتی کرمانی سردبیری مجله را برعهده داشت. وی مردی شریف و صادق و نویسنده‌ای پرتلاش بود. بارها به زندان افتاد و در ساواک قم و تهران تحت شکنجه قرار گرفت. یکبار وقتی که قسمت پنجم سلسله‌مقالات استاد مطهری تحت عنوان «سیری در نهج‌البلاغه» را به قم می‌بردم تا به ایشان برسانم، به او اطلاع دادم که تیراژ مجله در تهران به زودی از مرز ده هزار نسخه خواهد گذشت. مرحوم حجتی کرمانی خیلی خوشحال شد و گفت: «نامه‌هایی که از شهرهای مختلف می‌رسد، نشان می‌دهد که داستان «سوگند مقدس» شما و مقالات سیری در نهج‌البلاغه استاد مطهری، توجه خوانندگان را به‌شدت جلب کرده است. این بار وقتی برای گرفتن مقاله شماره بعد به ملاقات ایشان رفتم، بالا رفتن تیراژ مجله را به اطلاع ایشان برسانم». ماه بعد وقتی که به دانشکده الهیات رفتم و با استاد مطهری ملاقات کردم، پس از دریافت مقاله به ایشان گفتم که هر ماه بر تعداد مشترکان مجله در تهران افزوده می‌شود. استاد مطهری خیلی خوشحال شد و از تعداد مشترکان خارج از کشور سؤال کردند. پاسخ دادم:

«در خارج از کشور نیز هر سال بر تعداد مشترکان افزوده می‌شود و البته استقبال دانشجویان ایرانی مقیم آلمان بیش از کشورهای دیگر است.»

و سپس به استاد مطهری گفتم نامه‌هایی که از خارج کشور می‌رسد، نشان می‌دهد که سلسله‌مقالات شما تحت عنوان «سیری در نهج‌البلاغه» توجه دانشجویان ایرانی مقیم خارج را به‌شدت جلب کرده است. استاد مطهری با همان خلوص نیت و صداقت و فروتنی همیشگی گفتند: «نهج‌البلاغه به‌راستی پیام‌های جاودانه و نافذی دارد. من اطمینان دارم که به‌زودی در سراسر جهان اسلام، گرایشی شگفت‌انگیز و غیر منتظره نسبت به تشیع آغاز خواهد شد.» استاد مطهری، محکم و بدون هیچ‌گونه تردیدی جمله آخر خود را دو بار تکرار کرد. من مقاله شماره بعد مکتب اسلام را گرفتم و پس از خداحافظی، به سوی دفتر مجله روان شدم. در بین راه به سخن استاد مطهری فکر می‌کردم و از خود می‌پرسیدم که آیا به‌راستی به‌زودی در سراسر جهان گرایش به سوی تشیع آغاز خواهد شد؟

سال‌ها گذشت. انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. تروریست‌های بی‌رحم به زندگی استاد مطهری پایان دادند و آن به‌راستی فاجعه‌ای بس بزرگ و دل‌خراش بود. وقتی که در جلسه یادبود وی شرکت کردم، آن سخن استاد را به یاد می‌آوردم